



کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان‌نامه / رساله متعلق به دانشگاه علم و فرهنگ است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه علم و فرهنگ

دانشکده هنر و معماری

گروه آموزشی پژوهش هنر

کارشناسی ارشد پژوهش هنر

عمومی کردن هنر یا تشدید رفتار هنری؛

مطالعه‌ی موردی، موزه‌ی هنرهای معاصر تهران

نگارش

راهله هاشمی

استاد راهنما

دکتر سارا شریعتی

استاد مشاور

دکتر عباس نامجو

بهمن ماه ۱۳۹۱

تقديم به همسر راست پيمانم

حسين

با تشکر از زحمات خانم دکتر سارا شریعتی

که با نظراتشان در تمام مراحل نگارش این نوشتار
هدایتگر بودند.

همچنین با تشکر از جناب آقای احسان آقای رئیس موزه
هنرهای معاصر تهران

که با همکاری واحدهای مختلف موزه و ارائه ی اطلاعات
برای تهیه این نوشتار موافقت فرمودند.

چکیده

نوشتار حاضر با هدف بررسی سیاست دموکراتیزاسیون فرهنگ تهیه شده است و در صدد است که مشخص کند آیا عمومی کردن موزه ها به عمومی کردن هنر منجر شده است و یا تنها نتیجه اش تشدید رفتارهای هنری است. با بهره گیری از رویکرد پی بروردیو که «عشق هنر» را نتیجه ی بهره-مندی از سرمایه ی فرهنگی می داند؛ با استفاده از ابزار پرسشنامه به روش پیمایش و تجزیه و تحلیل کمی اطلاعات، میزان بهره مندی بازدیدکنندگان موزه هنرهای معاصر تهران از سرمایه ی فرهنگی سنجیده شده است. با استناد به نتایج به دست آمده می توان ابراز داشت که تنها نتیجه ی عمومی کردن موزه، تشدید رفتارهای هنری بازدیدکنندگان همیشه گی آن است. آشنایی عموم مردم با هنرهای مشروع بسیار محدود است و در ایران هنر هسته ی سخت فرهنگ محسوب نمی شود. ایجاد ارتباط با هنر مشروع علاوه بر عمومی کردن موزه ها و اطلاع رسانی مناسب، مستلزم تلاشی همه جانبه از سوی نظام آموزشی و رسانه ها در جهت ایجاد ارتباط مردم با آثار هنری است، تا گذرهای انفاقی افراد، به بازدیدهایی نظام مند از موزه تبدیل شود.

واژگان کلیدی: پی بروردیو، تشدید رفتارهای هنری، سرمایه فرهنگی، عشق هنر، عمومی کردن (دموکراتیزاسیون) هنر، موزه.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات تحقیق

- ۱-۱- مقدمه..... ۱
- ۲-۱- بیان مساله..... ۴
- ۳-۱- بیان پرسش های پژوهش..... ۹
- ۴-۱- ضرورت و هدف..... ۱۱
- ۵-۱- پیشینه تحقیق..... ۱۱

فصل دوم: چارچوب نظری

- ۱-۲- ادبیات نظری تحقیق..... ۲۰
- ۲-۲- میدان، عادتواره، سرمایه..... ۲۳
- ۳-۲- بازدیداز موزه: سرمایه فرهنگی و عادتواره هنری..... ۲۹

فصل سوم: روش

- ۱-۳- پیمایش..... ۴۰
- ۱-۱-۳- ابزار گردآوری اطلاعات..... ۴۲
- ۲-۳- جامعه آماری..... ۴۹
- ۳-۳- دلایل انتخاب موزه هنرهای معاصر تهران..... ۵۱
- ۴-۳- روش های تجزیه و تحلیل اطلاعات..... ۶۰

فصل چهارم: یافته ها

- ۴-۱- سیمای کلی موزه هنرهای معاصر تهران و بازدیدکنندگانش.....۶۶
- ۴-۲- ویژگی های فردی بازدیدکنندگان موزه هنرهای معاصر تهران.....۷۲
- ۴-۳- ویژگی های اجتماعی و فرهنگی بازدیدکنندگان موزه هنرهای معاصر تهران.....۷۸
- ۴-۴- رابطه میان سرمایه فرهنگی و عملکرد بازدیدکنندگان موزه هنرهای معاصر تهران..... ۱۰۱
- ۴-۵- ارزیابی بازدیدکنندگان از عملکرد موزه هنرهای معاصر تهران.....۱۱۶
- ۴-۶- ارزیابی عملکرد موزه هنرهای معاصر تهران در حوزه ی اطلاع رسانی.....۱۲۴

فصل پنجم: نتیجه گیری ۱۳۳

فهرست منابع.....۱۴۲

فهرست جداول ، نمودارها و تصاویر

- جدول شماره (۳-۱) فهرست چهارده نمایشگاه برگزار شده در موزه از تاریخ ۱۳۸۸/۷/۲۷ تا ۱۳۹۱/۹/۲..... ۴۳
- جدول شماره (۳-۲) کد بندی پرسش های مربوط به سرمایه ی فرهنگی..... ۴۸
- جدول شماره (۴-۳) تعداد بازدیدکنندگان به دست آمده از اطلاعات ثبت شده در واحد پژوهش..... ۶۷
- جدول شماره (۴-۴) تعداد بازدیدکنندگان با بلیط به دست آمده از واحد امور مالی..... ۶۸
- جدول شماره (۴-۵) میانگین بازدید روزانه با بلیط به دست آمده از واحد های پژوهش و امور مالی..... ۶۹
- جدول شماره (۴-۶) مقایسه بازدید های با بلیط و رایگان به دست آمده از واحد پژوهش..... ۷۰
- جدول شماره (۴-۷) تعداد تقریبی بازدیدکنندگان در هر نمایشگاه..... ۷۲
- نمودار شماره (۴-۸) نسبت جنسیت بازدیدکنندگان در نمایشگاه دهمین دوسالانه ی پوستر تهران..... ۷۴
- نمودار شماره (۴-۹) نسبت جنسیت با سطح تحصیلات بازدیدکنندگان از نمایشگاه دهمین دوسالانه ی پوستر تهران..... ۷۴
- نمودار شماره (۴-۱۰) رابطه تحصیلات و بازدیداز نمایشگاه دهمین دوسالانه ی پوستر تهران..... ۷۵
- نمودار شماره (۴-۱۱) نسبت جنسیت بازدیدکنندگان در نمایشگاه جلوه هایی از هنر معاصر جهان..... ۷۶
- نمودار شماره (۴-۱۲) نسبت جنسیت با سطح تحصیلات بازدیدکنندگان از نمایشگاه جلوه هایی از هنر معاصر جهان..... ۷۷
- نمودار شماره (۴-۱۳) مقایسه تحصیلات و بازدیداز نمایشگاه جلوه هایی از هنر معاصر جهان..... ۷۷
- جدول شماره (۴-۱۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب جنسیت..... ۷۸
- نمودار شماره (۴-۱۵) نمودار جنسیت پاسخگویان..... ۷۹
- جدول شماره (۴-۱۶) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن..... ۷۹
- نمودار شماره (۴-۱۷) نمودار سن پاسخگویان..... ۸۰
- جدول شماره (۴-۱۸) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شغل..... ۸۰
- نمودار شماره (۴-۱۹) نمودار شغل پاسخگویان..... ۸۱
- جدول شماره (۴-۲۰) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب مدرک تحصیلی..... ۸۱
- نمودار شماره (۴-۲۱) نمودار مدرک تحصیلی پاسخگویان..... ۸۲

- جدول شماره (۲۲-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی..... ۸۲
- نمودار شماره (۲۳-۴) نمودار رشته تحصیلی پاسخگویان..... ۸۳
- جدول شماره (۲۴-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب محل اقامت..... ۸۳
- نمودار شماره (۲۵-۴) نمودار محل اقامت پاسخگویان..... ۸۴
- جدول شماره (۲۶-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب شکل اقامت..... ۸۴
- نمودار شماره (۲۷-۴) نمودار شکل اقامت پاسخگویان..... ۸۵
- جدول شماره (۲۸-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب درآمد ماهیانه..... ۸۵
- نمودار شماره (۲۹-۴) نمودار درآمد ماهیانه پاسخگویان..... ۸۶
- جدول شماره (۳۰-۴) توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب هزینه بازدید..... ۸۶
- نمودار شماره (۳۱-۴) نمودار هزینه بازدید پاسخگویان..... ۸۷
- جدول شماره (۳۲-۴) مقایسه میانگین زمان بازدید از موزه در بین رشته های تحصیلی..... ۸۷
- نمودار شماره (۳۳-۴) نمودار میانگین زمان بازدید از موزه در بین رشته های تحصیلی..... ۸۸
- جدول شماره (۳۴-۴) جدول ماتریس همبستگی بین تحصیلات با زمان بازدید در بین رشته های تحصیلی هنری و غیرهنری..... ۸۹
- جدول شماره (۳۵-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با تحصیلات مادر..... ۹۱
- جدول شماره (۳۶-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با تحصیلات پدر..... ۹۳
- جدول شماره (۳۷-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با تحصیلات همسر..... ۹۴
- جدول شماره (۳۸-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با رشته تحصیلی مادر..... ۹۵
- جدول شماره (۳۹-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با رشته تحصیلی پدر..... ۹۶
- جدول شماره (۴۰-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با رشته تحصیلی همسر..... ۹۷
- جدول شماره (۴۱-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با شغل مادر..... ۹۸
- جدول شماره (۴۲-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با شغل پدر..... ۹۹
- جدول شماره (۴۳-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با شغل همسر..... ۱۰۰
- جدول شماره (۴۴-۴) بررسی رابطه بین جنسیت با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۲
- جدول شماره (۴۵-۴) بررسی رابطه بین میزان تحصیلات با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۳
- جدول شماره (۴۶-۴) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۴

- جدول شماره (۴-۴۷) بررسی رابطه بین درآمد ماهیانه با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۵
- جدول شماره (۴-۴۸) بررسی رابطه بین نحوه اطلاع یابی با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۶
- جدول شماره (۴-۴۹) بررسی رابطه بین عامل بازدید با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۷
- جدول شماره (۴-۵۰) بررسی رابطه بین نحوه بازدید با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۸
- جدول شماره (۴-۵۱) بررسی رابطه بین شکل بهره‌مندی از موزه با سرمایه فرهنگی..... ۱۰۹
- جدول شماره (۴-۵۲) بررسی رابطه بین ترجیح نحوه بازدید با سرمایه فرهنگی..... ۱۱۰
- جدول شماره (۴-۵۳) بررسی رابطه بین تصور از موزه با سرمایه فرهنگی..... ۱۱۱
- جدول شماره (۴-۵۴) بررسی رابطه بین انتظار از خدمات (خطوط و تابلوهای راهنما) با سرمایه فرهنگی..... ۱۱۲
- جدول شماره (۴-۵۵) بررسی رابطه بین موقعیت بازدید با سرمایه فرهنگی..... ۱۱۳
- جدول شماره (۴-۵۶) بررسی رابطه بین ارزیابی اطلاعات مورد نیاز جهت بهره برداری از آثار با سرمایه ی فرهنگی (در مورد بنای موزه)..... ۱۱۴
- جدول شماره (۴-۵۷) بررسی رابطه بین ارزیابی اطلاعات مورد نیاز جهت بهره برداری از آثار با سرمایه ی فرهنگی(در مورد آثار گونتر/وکر)..... ۱۱۵
- جدول شماره (۴-۵۸) بررسی رابطه بین جنسیت با ارزیابی از عملکرد موزه..... ۱۱۷
- جدول شماره (۴-۵۹) بررسی رابطه بین سطح تحصیلات با ارزیابی از عملکرد موزه..... ۱۱۸
- جدول شماره (۴-۶۰) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با ارزیابی از عملکرد موزه..... ۱۱۹
- جدول شماره (۴-۶۱) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی (معماری، غیرمعماری) با هدف از بازدید موزه و ترجیح در بازدید موزه..... ۱۲۱
- جدول شماره (۴-۶۲) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با تعداد بازدید از موزه هنرهای معاصر تهران..... ۱۲۲
- جدول شماره (۴-۶۳) بررسی رابطه بین رشته تحصیلی با نوع فعالیت هنری..... ۱۲۳
- تصویر شماره (۴-۶۴) مطالعه ی یادداشت های کنار آثار از پشت شیشه های سرتاسری مقابل آثار..... ۱۲۸
- تصویر شماره (۴-۶۵) واحد کتاب فروشی موزه هنرهای معاصر تهران..... ۱۲۹
- نمودار شماره (۴-۶۶) مقایسه تعداد بازدیدکنندگان با تعداد بروشورهای نمایشگاه..... ۱۳۱

فصل اول: کلیات تحقیق

عمومی کردن هنر یا تشدید رفتارهای هنری

۱-۱- مقدمه

نوشتار حاضر در پی شناخت ویژگی های فردی و اجتماعی بازدیدکنندگان موزه ها تدوین شده است. شناختی عمیق از ویژگی های بازدیدکنندگان موزه، مشخص خواهد کرد که آیا سیاست دموکراتیزاسیون فرهنگ^۱، مبنی بر قرار دادن آثار هنری در اختیار عموم مردم، منجر به آشنایی هرچه بیشتر اقشار وسیع تری از جامعه با آثار هنری شده است یا خیر؟ به عبارت دیگر مشخص خواهد کرد که آیا همه اقشار جامعه از موزه ها بازدید می کنند، یا علیرغم گشوده بودن درهای موزه ها به روی عموم، بازدیدکنندگان موزه ها را گروهی خاص که بواسطه رشته ی تحصیلی، شغل یا از طریق خانواده با هنر ارتباط و آشنایی دارند؛ تشکیل می دهند.

در راستای رسیدن به این هدف، با استفاده از رویکرد نظری پی یر بوردیو^۲ و پرسشنامه ی کتاب **عشق هنر**^۳، میزان بهره مندی بازدیدکنندگان موزه از «سرمایه ی فرهنگی»^۴ اعم از نهادینه، کالبدی، عینیت یافته و موروثی مورد بررسی قرار گرفته است. استفاده از رویکرد نظری پی یر بوردیو در این نوشتار از آن جهت ارجحیت داشت که او در کتاب **عشق هنر** به طور خاص به شناخت ویژگی های اجتماعی و فرهنگی بازدیدکنندگان موزه ها می پردازد. او با طرد باور به ذاتی بودن توانایی لذت

۱. Democratization of culture

۲. Pierre Bourdieu

۳. Pierre Bourdieu and Alian Darbel with Dominique Schnapper, *The Love of Art: European Art Museums and their Public*, Paris, ۱۹۶۶.

۴. Capital Cultural

بردن از آثار هنری که از آن تحت عنوان استعداد ذاتی یاد می شود، به اکتسابی بودن این توانایی تاکید کرده و معتقد است که از طریق آموزش در خانواده و نظام آموزش و پرورش ایجاد می شود. او میان این دو وجه از منابع کسب سرمایه ی فرهنگی نقش آموزش های خانوادگی را به مراتب با اهمیت تر می داند. به نظر او «عشق هنر» به معنی توانایی کسب لذت از آثار هنری که در موزه ها به نمایش در می آیند، مستلزم انس و الفت و ارتباط داشتن با آثار هنری است که موجب می شود افراد به توانش فرهنگی لازم جهت شناخت رمزگان به کار رفته در این آثار تجهیز شوند.

با توجه به اینکه پی یر بوردیو در کتاب **عشق هنر** مشخصاً به بررسی بازدیدکنندگان موزه های آثار نقاشی و مجسمه سازی پرداخته است، در تهیه این نوشتار نیز موزه هنرهای معاصر تهران که دارای غنی ترین مجموعه ی آثار هنری مدرن از هنرمندان خارجی و داخلی در ایران است و اختصاصاً به نمایش آثار نقاشی و مجسمه سازی می پردازد، مورد بررسی قرار گرفته است.

نوشتار حاضر با استفاده از روش پیمایش و از طریق بررسی فرم های نظر سنجی توزیع شده در موزه و توزیع پرسشنامه ای بر اساس پرسشنامه ی کتاب **عشق هنر** تهیه شده است. اطلاعات به دست آمده از این پرسشنامه ها با استفاده از نرم افزار **SPSS** که متداول ترین روش در تحلیل اطلاعات پرسشنامه ای است، تحلیل شده اند. پس از شناخت ویژگی های فرهنگی، اجتماعی بازدیدکنندگان موزه، ارزیابی آن ها از نحوه ی عملکرد موزه هنرهای معاصر بررسی شده است. ارزیابی از عملکرد موزه با بررسی فرم های نظرسنجی به دست آمده از واحد پژوهش و آمار موزه و توجه به اطلاع رسانی در مورد نمایشگاه های برگزار شده در موزه تکمیل شده است.

در خصوص مشکلات در تدوین این نوشتار به طور خاص دو مورد قابل ذکرند. اولین مورد ترجمه ی چند اثر محدود از تالیفات متعدد پی یر بوردیو به زبان فارسی بوده است. علیرغم این مشکل تلاش شده است با استناد به همان موارد محدود و ترجمه ی بخش هایی از متون مورد نیاز بویژه ترجمه ی بخش هایی از کتاب **عشق هنر**، چارچوب نظری نوشتار حاضر، تنها با ارجاع به آثار و

تالیفات پی‌یر بوردیو و شارحانش از جمله *ناتالی هینیک* تدوین شود. در تهیه اطلاعات این بخش از ارجاع به منابع دست دوم اعم از کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی که از رویکرد نظری او بهره‌گرفته‌اند، اجتناب شده است.

مشکل دیگر محدودیت در زمان و منابع مالی جهت تحلیل اطلاعات بوده است. چنانچه زمان و امکانات مالی غنی‌تر می‌بود، این احتمال وجود داشت که با توزیع تعداد بیشتری پرسشنامه و شناسایی و حذف متغیر اخلاص‌گر در تحلیل‌ها، میان متغیرهای موجود روابط معنادار بیشتری مشاهده شود.

در انتها شایسته است که از همه‌ی افرادی که در تدوین این نوشتار مرا یاری کرده‌اند، قدردانی و تشکر کنم. با تشکر از زحمات استاد راهنمای محترم سرکار خانم دکتر سارا شریعتی، که با راهنمایی‌های دقیق و موشکافانه‌ی خود، این نوشتار را در همه‌ی مراحل در مسیر صحیح قرار دادند. همچنین با تشکر از زحمات آقایان دکتر عباس نامجو و دکتر محمد رضایی که در تدوین بخش‌های مختلف این نوشتار از نظرات ایشان بهره‌گرفته شده است. همچنین با تشکر از آقای احسان آقایی رئیس موزه‌ی هنرهای معاصر تهران که با ارائه‌ی تمام اطلاعات مورد نیاز در این نوشتار از سوی واحد‌های مختلف موزه موافقت کردند. و با تشکر فراوان از زحمات خانم کیانا دلشاد نیک در واحد پژوهش موزه که در تمام مراحل اطلاعات مورد نیاز را صادقانه در اختیار این نوشتار قرار دادند و با بذل توجه مرا در تدوین این نوشتار همراهی کردند. در انتها از زحمات مسئولان واحد روابط عمومی آقای حسن نوفرستی و خانم فریبا میرسعیدی، مسئول واحد امور مالی آقای احسان اله عباسی و همکاران واحد پژوهش خانم‌ها شیرین فضیلت، مینو عالمی، فرانک آرتا و شیرین اردیبهستی و مسئول واحد عکاسی خانم مهناز صحاف، متصدی واحد کتاب‌فروشی آقای امیر حسین شایگان و همچنین همکاران محترم واحدهای کتابخانه و سینماتک قدردانی می‌کنم.

۱-۲- بیان مساله

نهادینه شدن موزه ها، به عنوان محل نگهداری و حفاظت آثار هنری، یکی از نتایج سیاست دموکراتیزاسیون فرهنگ است. موزه ها از مهمترین اماکن دموکراتیزاسیون بوده و دسترسی عموم اقشار جامعه به آثار هنری را ممکن می ساختند. این سیاست در عرصه ی فرهنگ پس از انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ و با نهادینه شدن موزه ی لوور رخ داد. از آن پس موزه ها به عنوان نهادهای رسمی نگه داری و حفاظت از میراث هنری موظف به قرار دادن آثار هنری در دسترس عموم اقشار جامعه شدند.

موزه ها نهاد فرهنگی رسمی هستند، آثار هنری که از جانب دولت به رسمیت شناخته شده و نهادینه می شوند؛ در موزه ها به نمایش درآمده و با تبلیغات از سوی دولت، عمومیت می یابند. این آثار همگی شاهکارهای هنری و واجد ارزش های بالای هنری و نخبه گرایانه هستند. با در نظر گرفتن این موارد بدیهی است که بازدیدکنندگان موزه ها را عموماً هنرمندان، اصحاب و دانشجویان هنر، آماتورهای هنر و افراد تحصیل کرده تشکیل دهند.

علیرغم بداهت موارد فوق، تضادی آشکار میان «عموم اقشارجامعه» و «هنرمندان و افراد تحصیل کرده» وجود دارد. به واقع آیا هنرمندان و دارندگان تحصیلات آکادمیک همه ی اقشار جامعه را تشکیل می دهند؟ و اگر چنین نیست و درهای موزه به روی عموم گشوده است، چرا به نظر می رسد مانعی نامرئی درهای موزه را به روی عموم بسته است و همه اقشار از موزه بازدید به عمل نمی آورند. علیرغم امکان بازدید عموم اقشار جامعه از موزه، همه ی مردم از موزه ها بازدید نمی کنند؛ عموم مردم در موزه احساس اضافی بودن، در جای خود نبودن، عدم تعلق و حذف شدگی می کنند. این احساس متفاوت بودن در پوشش، رفتار و نحوه بازدید آن ها نیز نمود می یابد.

اما تفاوت نسبت به چه کسانی؟ مگر موزه متعلق به چه کسانی است که عموم در آن احساس عدم تعلق و اضافی بودن می کنند؟ و پاسخ اینست متعلق به «عاشقان هنر». گویی به خطی نامرئی بر

سر در موزه های هنر این عبارت نقش بسته است "ورود فقط برای عاشقان هنر" (پی یر بوردیو، ۱۳۷۷: ۱۵۲)

عاشقان هنر واجدان استعداد ذاتی و خدادادی توانایی کسب لذت از امر مقدس هنر هستند. آن ها در کنار مهر تائیدی که موزه به عنوان عاشق هنر به آن ها می زند، خودشان - به ویژه هنرمندان - نیز از طرفداران سرسخت این ایده هستند. این افراد خود را به مثابه واجدان استعدادهایی ذاتی برمی سازند و به هیچ وجه صحبت از چگونگی شکل گیری کشش به هنر را بر نمی تابند. آن ها یکسره از ایده ی ذاتی بودن این میل و نیازهای درونی شان به بازدید از موزه طرفداری می کنند. گویی چنانچه این عشق مورد واکاوی قرار گیرد و مشخص شود که آن ها نیز با این میل طبیعی به دنیا نیامده اند؛ و ذوق هنری به مرور زمان و تحت شرایط، و متأثر از موقعیت های خانوادگی و تحصیلی در آن ها شکل گرفته است، ارزش خود را از دست خواهد داد.

در عمل مهر تائید «عاشق هنر» بودن تحت عنوان «استعداد ذاتی» اعطا می شود. این در حالیست که از نگاه جامعه شناسان این توانایی در درک و لذت بردن از هنر ذاتی نبوده، بلکه از طریق آموزش به دست آمده و اکتسابی است؛ گام اول برای کشف مانع نامرئی در برابر بازدید عموم اقشار جامعه از موزه، طرد باور به ذاتی بودن استعداد های هنری است. با حذف این مانع، ویژگی های اجتماعی عاشقان هنر و طرد شدگان مشخص خواهد شد. ویژگی هایی که چون پلی برای عاشقان و چون سدی در برابر طرد شدگان عمل می کند.

با حذف استعداد ذاتی، طبیعتاً نقش عوامل بیرونی و محیطی مورد توجه قرار خواهد گرفت. عواملی نظیر شرایط خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی افراد.

پی یر بوردیو همبستگی میان بازدید از موزه و سطح تحصیلات افراد و همچنین نقش تحصیلات مادر در برنامه ریزی برای اوقات فراغت که در بازدید از موزه اثر گذار است را مد نظر قرار داد. او تاثیر این عوامل بیرونی را در قالب دو شاخص اصلی شامل تحصیلات و خاستگاه خانوادگی

افراد تبیین کرده و مفهوم «سرمایه ی فرهنگی» را به مفهوم «سرمایه ی اقتصادی»^۵ کارل مارکس^۶ افزود. در نظر بوردیو یکی از مولفه های سنجش سرمایه ی فرهنگی، از طریق سرمایه ی تحصیلی است که با طول مدت تحصیل فرد ارزیابی می شود و بطور دقیق از طریق مدرک تحصیلی فرد قابل سنجش است. خاستگاه اجتماعی فرد نیز که با شغل پدر سنجیده می شود، دیگر مولفه ی اصلی برای سنجش سرمایه ی فرهنگی محسوب می شود.

طبق نظر بوردیو برآیند سرمایه های اقتصادی و فرهنگی افراد است که به ذائقه، سلیقه و رفتار و مصرف آن ها شکل می دهد. با مشخص شدن نقش عوامل اجتماعی چنین به نظر می رسد که عاشقان هنر در واقع واجد سطح بالای سرمایه ی فرهنگی هستند و در مقابل طرد شدگان سطح پایینی از سرمایه فرهنگی را در اختیار دارند. برای شناخت بازدیدکنندگان موزه لازم است میزان بهره مندی آن ها از سرمایه فرهنگی مشخص شود.

با توجه به موارد فوق پرسش اصلی اینست، آیا در ایران گشایش موزه ها و تکثیر مکان های نمایشگاهی که به نمایش آثار هنری می پردازند به عمومی شدن هنر منجر شده است و یا تنها نتیجه اش تشدید رفتارهای هنری قشر محدودی است که همواره از موزه ها بازدید به عمل می آورند؟ برای دستیابی به پاسخی برای این پرسش در این نوشتار، با مطالعه ی بازدیدکنندگان موزه ی هنرهای معاصر تهران مشخص خواهد شد که آیا دارندگان سرمایه ی فرهنگی بالا هستند که بازدیدکنندگان همیشگی نمایشگاه های برگزار شده در موزه را تشکیل می دهند.

خانواده، دانشگاه، رسانه و تصادف از عمده عواملی هستند که می توانند عشق هنر را در فرد بوجود آورند. در ایران، پس از دوران جنگ و آغاز دوره ی سازندگی، نهادها و مراکز آموزشی گسترش یافتند؛ و به یمن سیاست دموکراتیزاسیون آموزشی، عمومی کردن آموزش به صورت برابر برای همگان مورد توجه قرار گرفت. بنابراین در حال حاضر امکان بهره مندی از تحصیلات دانشگاهی دیگر منحصر

^۵.Capital Economic

^۶.Karl Heinrich Marx

به گروه و قشر خاصی از افراد اجتماع نیست. افراد با هر سطح از سرمایه ی اقتصادی و فارغ از جنسیت و قومیت و دیگر تقسیمات اجتماعی می توانند از خدمات نظام آموزشی بهره مند گردند. نظامی که با داعیه دموکراتیک بودن، وعده می دهد توانش فرهنگی را که فرد در خانواده کسب نکرده است، به او اعطا خواهد کرد. این امکان به مدد افزایش روز افزون نهادهای دانشگاهی ممکن شده است.

این نهادها شامل دانشگاه ها و موسسات آموزشی وابسته به وزارت علوم، واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، واحدهای دانشگاه جامع علمی کاربردی، واحدهای دانشگاه پیام نور می شوند. در سال های اخیر با اجرای روش فراگیر از سوی دانشگاه پیام نور و همچنین روش پودمانی از سوی دانشگاه علمی کاربردی، مانع کنکور نیز که سد محکمی در برابر ورود افراد به مراکز دانشگاهی تلقی می شد از میان برداشته شده است. آموزش های این موسسات مقاطع مختلف تحصیلی از کاردانی تا دکترای تخصصی را شامل می شود.

آمار موجود در مورد تعداد دانشجویان یا دانش آموختگان مراکز آموزش عالی در وبسایت اصلی آمار ایران به صورت جداگانه به تفکیک جنسیت و رشته های تحصیلی در هر سال ارائه شده است. جمع بندی تمام موارد و محاسبه ی تعداد کل دانش آموختگان در سراسر کشور، در حیطه اهداف این نوشتار نبوده و اساساً لزومی دیده نمی شود، چرا که اگر فقط به تعداد پذیرفته شدگان دانشگاهی در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ نگاهی بیندازیم کافی خواهد بود.

در نشست خبری که به مناسبت هفته دولت مورخ پنجم شهریور ماه سال ۱۳۹۱ برگزار شد، معاون آموزشی وزیر علوم، حسین نادری منش با اشاره به آماری مبنی بر تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در کلیه موسسات آموزش عالی کشور در سال تحصیلی ۹۰-۹۱، اظهار کردند: "تعداد کل دانشجویان بر اساس آماری که در تاریخ ۲۸ مرداد ماه توسط موسسه پژوهش و برنامه ریزی به

دستمان رسیده است، ۴ میلیون و ۴۰۳ هزار و ۶۵۲ نفر است.^۷ فقط با در نظر گرفتن دانشجویان شاغل به تحصیل طی یکسال تحصیلی به نظر می‌رسد که رابطه‌ی معناداری میان بازدیدکنندگان از موزه‌ها و شاغلان به تحصیل در مقاطع دانشگاهی - به جز دانشجویانی که در رشته‌های هنری تحصیل می‌کنند - به چشم نمی‌خورد. این در حالیست که سرمایه‌ی تحصیلی شاخص مهمی در تعیین سرمایه‌ی فرهنگی افراد است.

این بار مشکل کجاست؟ این بار صحبت از مکانیسمی نامرئی در نظام آموزش است. "خانواده‌ها به تناسبی که سرمایه‌ی فرهنگی شان بیشتر باشد و وزن نسبی آن در قیاس با سرمایه‌ی اقتصادی شان بزرگتر باشد، سرمایه‌گذاری بیشتری به امر آموزش و پرورش فرزندان خود تخصیص می‌دهند." (پی‌یر بوردیو، ۱۳۹۰: ۵۵) پی‌آیند اختلاف موجود در سرمایه‌ی فرهنگی موروثی افراد که به خاستگاه اجتماعی افراد ارتباط داشته و آن را از طریق خانواده کسب می‌کنند؛ نظام آموزشی نیز - علیرغم ادعای دموکراتیک بودن در امر آموزش - دانش‌آموزانی که سرمایه‌ی فرهنگی ارثی دارند را، از آنانی که فاقد این سرمایه‌اند؛ جدا می‌کند. این مکانیسم از طریق برگزاری آزمون‌ها و کنکورهای ورودی از توجیهی عقلانی نیز برخوردار می‌شود. نظام آموزشی با درانداختن شکاف میان دانشجویان دانشگاه‌های برجسته و موسسات معمولی به باز تولید تفاوت اجتماعی از پیش موجود میان این دو گروه می‌پردازد. در اینجا بوردیو از «وارثان» نام می‌برد؛ وارثان فرهنگی کسانی هستند که نیاز فرهنگی از طریق خانواده به آن‌ها القا شده است و نظام آموزشی نیز سرمایه‌ی فرهنگی آن‌ها را ارتقا می‌دهد و در مقابل با عدم ارائه چنین امکانی به آنانی که از نظر خانوادگی فاقد سرمایه‌ی فرهنگی موروثی هستند، نظم اجتماعی پیشین را «بازتولید» می‌کند.

رسانه و تصادف - به معنی مواجه تصادفی فرد با هنر - نیز، دو عامل دیگری هستند که می‌توانند تاثیر مهمی در شکل‌گیری نیازهای هنری افراد داشته باشد؛ اما به وضوح جای هنر در رسانه‌ها

۷- به نقل از گزارش خبرنگار «فرهنگی» خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)